

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

سبک زندگی امام باقر علیه السلام



کانال فیش منبر در ایتا



<https://eita.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار =

<http://www.talabeyar.ir>

امام محمد باقر، امام پنجم شیعه که طبق حدیث لوح (اهدایی حضرت فاطمه به جابر بن عبدالله انصاری) از سوی پیامبر، به لقب باقر، ملقب گردید. پدر امام باقر، «امام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام»، امام سجاد(ع) و مادر ایشان، «فاطمه» معروف به امّ عبدالله (دختر امام حسن مجتبی علیه السلام) است. بنابراین نسب امام باقر، هم از طرف پدر و هم از طرف مادر به دو فرزند امام علی، سیدی شباب اهل الجنه- امام حسن و امام حسین علیهما السلام، میرسد [۱]. امامت امام باقر(ع) مصادف با ضعف دولت بنی امیه و درگیری امویان بر سر قدرت بود. این امام همام، در این دوره، جنبش علمی وسیعی را پدید آورد که در دوره امامت فرزندش امام صادق(ع) به اوج خود رسید. اکنون و به مناسبت ولادت با سعادت امام پنجم شیعیان، فراهایی از سیره و سبک زندگی این امام همام، بیان خواهد گردید، امید است مورد استفاده در رفتار و زندگی شیعیان قرار گیرد:

زینت و تجمل خانوادگی امام باقر همراه با ساده زیستی فردی

ایده های انسان بر دو گونه اند:

۱. ایده های اصولی و غیر قابل چشم پوشی، مانند پایبندی به اصول دین و واجبات و محرمات شرعی و نیز رعایت اصول اخلاق انسانی و ... که انسان نسبت به چنین ایده هایی نمی تواند بی تفاوت باشد، چه در مورد همسر و چه دیگران؛ امر به معروف و نهی از منکر، شامل چنین زمینه هایی است و همه مردم در قلمرو مکتب وظیفه دارند که در مرحله نخست، اعضای خانواده خویش را به این ارزشها دعوت کرده و از ضد ارزشها بازدارند و در مرحله بعد، همه افراد جامعه را امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

۲. ایده های فردی در مورد مسایل مختلفی که فراتر از حد وظایف ضروری است، مانند رعایت مستحبات و ترک مکروهات، و یا چشم پوشی از مباحات به منظور هدف و آرمانی خاص و ارزشمند؛ اهل تقوا و زهد، علاوه بر انجام وظایف واجب و ضروری، بسیاری از لذتهای دنیوی را ترک می کنند و حتی از تجملهای مجاز و مباح نیز اجتناب می ورزند. گاه موقعیت اجتماعی یک فرد، مستلزم رعایت مسایلی است که رعایت آنها بر دیگران و حتی همسران وی لازم نیست. در چنین مواردی، معمول انسانها سعی می کنند تا ایده های خود و شیوه زندگی خویش را بر دیگران و همسر و فرزندشان تحمیل کنند و شرایط و روحیات ایشان را در نظر نگیرند.

در زندگی امام باقر علیه السلام، نه تنها چنین نقطه ضعف هایی دیده نمی شود، بلکه خلاف آن قابل مشاهده است. مویذ این دیدگاه، روایتی گرانبها در کتاب الکافی کلینی، می باشد: حسن بصری می گوید: من به همراه یکی از دوستانم به منزل امام باقر رفته، بر او وارد شدیم. برخلاف تصور خویش، آن حضرت را در اتاقی مفروش، آراسته و زینت شده

یافتیم و بر دوش وی پارچه‌ای به رنگ گلهای سرخ مشاهده کردیم. محاسن را قدری کوتاه کرده و بر چشمان سرمه کشیده بود. (باید توجه داشت که در آن عصر و محیط، سرمه کشیدن مردان نیز رایج بوده است):

هُوَ فِي بَيْتٍ مُنْجَدٍ وَعَلَيْهِ مَلْحَفَةٌ وَرِدِيَّةٌ وَقَدْ حَفَّ لِحْيَتَهُ وَاکْتَحَلَ.

امام باقر، در خانه ای آراسته نشسته بود و شالی رنگی، بر خود داشت. محاسنش را نیز مرتب کرده و به چشمانش سرمه کشیده بود.

مسایل خود را با آن حضرت در میان گذاشتیم و سؤالهائمان را پرسیدیم و از جا برخاستیم. هنگام خارج شدن از منزل، امام باقر به من فرمود: همراه با دوست ات، فردا هم نزد من بیایید. گفتم: بسیار خوب، خواهیم آمد. چون فردا شد، با همان دوستم به خانه امام رفتیم، ولی این بار به اتاقی وارد شدیم که در آن، جز یک حصیر، هیچ امکاناتی نبود و امام پیراهنی خشن بر تن داشت:

هُوَ فِي بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا حَصِيرٌ وَإِذَا عَلَيْهِ قَمِيصٌ غَلِيظٌ.

ایشان در خانه ای است که جز حصیر، چیزی در آن نیست، و پیراهنی خشن بر تن دارد.

در این هنگام امام باقر به رفیق من، رو کرد و فرمود: ای برادر بصری! اتاقی که دیشب مشاهده کردی و در آنجا نزد من آمدی از همسرم بود که با او ازدواج کرده‌ام و در واقع آن اتاق، اتاق او بود و لوازم آن نیز، لوازم و امکاناتی است که او آورده است. او خودش را برای من آراسته بود و من نیز می‌بایست عکس العمل مناسبی داشته باشم و خودم را برای او بیارایم و بی تفاوت نباشم. امیدوارم از آنچه دیشب مشاهده کردی، به قلبت گمان بد راه نداده باشی. دوست من در پاسخ امام باقر گفت: به خدا قسم، بدگمان شده بودم، ولی اکنون خداوند آن بدگمانی را از قلبم زدود و حقیقت را دریافتم [۲].

آنچه از این حدیث، استفاده می شود، این است که امام باقر در محیط خانواده، از همسرش انتظار ندارد که چون او بر حصیر بنشیند و لباس خشن بر تن کند و از امکاناتی که خداوند به ایشان عطا نموده، چشم پوشی کند؛ امام باقر با این که در قلمرو اعمال فردی خود، از تجمل پرهیز دارد، ولی در زندگی خانوادگی و حتی اجتماعی، عواطف و نیازهای روحی همسر و نیز شرایط و مقتضیات زمان را در نظر دارد و تجمل حلال را ممنوع نمی‌شمارد و در مواردی لازم هم می‌داند.

در محیط جامعه، جوانان کم سن و سال، چنین می پوشند

داستان دیگری از امام باقر، موید دیدگاه فوق خواهد بود، از آنچه که خداوند بر انسان ارزانی داشته، باید در جهت دنیای مشروع و حلال، استفاده نمود؛ حکم بن عتیبه می گوید: بر امام باقر (علیه السلام) وارد شدم در حالی که اتاقش آراسته و لباسش رنگین بود، من همچنان به اتاق و لباس آن حضرت، خیره شده بودم و با تعجب نگاه می کردم. امام که آثار شگفتی را در من مشاهده کرده بود، فرمود: ای حکم بن عتیبه، نظرت درباره آنچه می بینی، چیست؟

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ وَهُوَ فِي بَيْتٍ مُنَجَّدٍ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ رَطْبٌ وَمَلْحَفَةٌ مَصْبُوعَةٌ قَدْ أَثَرَ الصَّبْغُ عَلَى عَاتِقِهِ. فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى الْبَيْتِ وَأَنْظُرُ إِلَى هَيْئَتِهِ، فَقَالَ: يَا حَكَمُ مَا تَقُولُ فِي هَذَا؟ فَقُلْتُ: وَمَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ وَأَنَا أَرَاهُ عَلَيْكَ. وَأَمَّا عِنْدَنَا فَإِنَّمَا يَفْعَلُهُ الشَّابُّ الْمُرَهَّقُ .

بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و ایشان در خانه ای آراسته بود و لباسی لطیف بر تن داشت و عبایی رنگی بر دوش داشت. من به خانه و شمایل ایشان می نگریدم. فرمود: «ای حَکَم، در این باره چه می گویی؟». گفتم: چه می توانم بگویم، چون شما را به این وضع می بینم؛ ولی از نگاه ما، این، رفتار جوانان است.

عرض کردم: درباره عمل شما چگونه می توانم داوری کنم (شما امام هستید و جز کار بایسته انجام نمی دهید)، ولی در محیط ما، جوانان کم سن و سال، چنین می پوشند، و نه بزرگسالان! امام باقر با استناد به آیه قرآن، فرمود:

مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ [۳].

چه کسی زینتی را که خداوند برای بندگانش منظور کرده و یا روزی های حلال را حرام کرده است؟

سپس امام باقر، در ادامه می فرماید: ای حکم، ولی خوب است بدانی که این اتاق، از آن همسر من است که با او ازدواج کرده ام و تو خود بهتر می دانی که اتاق ویژه خود من چگونه اتاقی است [۴].

از اصول ثابت سیره معصومان، چنین بوده است که دنیای مشروع، مذموم نبوده و نیازهای دنیوی، در جهت رشد فضائل انسانی، مورد توجه می باشد:

اجعلوا لأنفسكم حظا من الدنيا بإعطائها ما تشتهي من الحلال، و ما لا يثلم المروءة، و ما لا سرف فيه. و استعينوا بذلك على أمور الدين؛ فإنه روی: ليس منا من ترك دنياه لدينه، أو ترك دينه دنياه [۵].

برای جان‌های خویش، بهره‌ای از دنیا برگیرید، بدین سان که به هر چه از حلال میل دارند، چندان که با جوان‌مردی بسازد و زیاده‌روی در آن نباشد، کامیاب‌شان کنید و از این کامیابی، برای کار دین، یاری بجوید؛ که همانا روایت شده است: «از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش رها کند، یا دینش را برای دنیایش واگذارد.»

ائمه (ع) به تناسب شرایط زمانی و مسؤلیتهای اجتماعی خود، زندگی می‌کرده‌اند. در حالات امام علی (ع) دیده شده است که آن حضرت در دوران حکومت و فرمانروایی خویش، کفشهایش را خود وصله می‌زد و از ساده‌ترین و کم‌بهترین جامه‌ها استفاده می‌کرد، ولی آن حضرت شیوه زندگی خود را برای همگان تجویز نمی‌نمود و می‌فرمود: من چون حاکم جامعه هستم، وظیفه خاصی دارم و باید در حد پایین‌ترین طبقات جامعه زندگی کنم تا آنان با مشاهده وضع من، در خود احساس آرامش و رضایت کنند. اما سایر امامان، از آنجا که مسؤلیت حکومت را بر عهده نداشته‌اند و در شرایط اجتماعی ویژه‌ای زندگی می‌کرده‌اند، که چه بسا استفاده از لباسهای کم‌بها و وصله‌دار، موجب تضعیف موقعیت اجتماعی آنان و توهین به شیعه می‌شد، و بازتاب منفی داشته است، بر اساس وظیفه، آداب صحیح اجتماعی را رعایت کرده، به جمال و زی‌شرافتمندانه در جامعه اهتمام می‌ورزیده‌اند [۶].

اموال نامشروع و اعمال پسندیده

بر اساس آیات و روایات، «لقمه» تأثیر ماندگاری در سعادت و شقاوت آدمی دارد و رشد و سقوط اخلاقی هر فرد و جامعه‌ای، به نوع و کیفیت «منابع درآمد» آنان نیز بستگی دارد. امام باقر، همگان را به کسب «لقمه حلال» و پرهیز از «ثروت‌های نامشروع و نجومی» سفارش فرموده است؛

من أصاب مالا من أربع لم يقبل منه في أربع: من أصاب مالا من غلول أو ربا أو خيانة أو سرقة، لم يقبل منه في زكاة ولا في صدقة ولا في حج ولا في عمرة [۷].

هر که مال از چهار طریق به دست آورد، چهار چیز از او قبول نمی‌شود. هر که مال را از راه: اختلاس، یا ربا، یا خیانت و یا دزدی به دست آورد، از وی زکات، صدقه، حج و عمره پذیرفته نشود.

به گونه‌ای که اگر درآمد حلال نباشد، اعمال نیک همچون حج، صلّه رحم نیز پذیرفته نخواهد شد و در فرزندان وی نیز تأثیر منفی به جای خواهد گذاشت:

إنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ مَالًا مِنْ حَرَامٍ، لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ حَجٌّ وَلَا عَمْرَةٌ وَلَا صَلَةٌ رَحِمٍ حَتَّىٰ أَنَّهُ يَفْسُدُ فِيهِ الْفَرْجُ [۸].

همانا انسان اگر از مال حرام ثروت به دست آورد، حج، عمره و صلّه رحم... او در پیشگاه خدا پذیرفته نمی‌شود، به گونه‌ای که در زناشویی او نیز تأثیر سوء می‌گذارد.

امام باقر، چه کاری را از ۷۰ حج مستحبی بیشتر دوست می‌داشت؟

حضرت، مخارج فراوانی داشت و همه را از طریق کار و تلاش تهیه می‌کرد. آن امام غیر از خانواده و فرزندان به افراد نیز رسیدگی می‌نمود، از جمله: خانواده پدر بزرگوارشان امام سجاد (ع)، فقرای مدینه، خانواده شیعیانی که دچار فشار حکومت بنی‌امیه قرار گرفته بودند و همچنین افرادی که از نقاط دور به محضر امام رسیده و تقاضای کمک مالی میکردند [۹].

از اینرو، امام باقر (ع) در طول مدّت زندگانی اش، علاوه بر انجام عبادات واجب و مستحبی و نیز پرورش شاگردان ممتاز و صالح، به سر و سامان دادن زندگی اقشار آسیب پذیر نیز بسیار اهمّیت می‌داد و چنین می‌فرمود:

لأن أَعول أهل بيت من المسلمین، و اشبع جوعتہم، و أكسو عورتہم، و أكف وجوہہم عن الناس، أحب إلی من أن أحج حجّة و حجّة حتی انتہی إلی عشر و عشر و عشر، و مثلها و مثلها حتی انتہی إلی سبعین [۱۰].

اگر هزینه زندگی خانواده‌ای مسلمان را بپردازم، سیرشان سازم، آنها را بپوشانم و از مردم بی‌نیازشان گردانم، نزد من، محبوب‌تر از آن است که حج بگذارم و حج بگذارم و حج بگذارم تا ... هفتاد حج مستحبی.

البته روشن است که این سنجش‌ها و ترجیح‌ها، میان حجّ مستحب و صدقه و انفاق مستحبی است و نه میان حجّ واجب و صدقه مستحب؛ چون هیچ مستحبی نمی‌تواند جای واجب را بگیرد.

ممکن است، ابهامی شکل گیرد که آیا در همه زمان‌ها، صدقه و انفاق بر حج مستحبی، برتری دارد؟، پرواضح است که این برتری، مطلق نیست و به شرایط و مقتضیات زمان، بستگی دارد. موید این دیدگاه، روایتی دیگری از امام صادق می‌باشد:

يقولون: إذا حج رجل حجّة ثم تصدق و وصل کان خیرا له، فقال: کذبوا لو فعل هذا الناس لعطل هذا البيت، إن الله تعالی جعل هذا البيت قیاما للناس [۱۱].

در میان مردم، چنین سخن است که: هرگاه کسی یک بار حج رود، سپس (به جای دوباره حج کردن) صدقه بدهد و صله رحم انجام دهد، برایش بهتر است. امام صادق فرمود: «دروغ گفته‌اند. اگر مردم چنین کنند، حج تعطیل می‌شود. خدای متعال، کعبه و بیت الله الحرام را مایه برپایی برای مردم قرار داده است.»

حال، سوالی که مطرح میشود، اینکه: در مقام تراحم بین حج مستحبی، و صدقه، کدام را باید انتخاب کرد؟؛ از روایت اخیر، فهمیده می‌شود که برتری حج مستحبی بر صدقه، در جایی است که به خاطر سختی و رنج حج، به صدقه رو

آورده شود و این همایش عظیم، تعطیل یا تضعیف گردد. پس اکنون که خواستاران حج، فزون تر از ظرفیت این مکان مقدس می باشد و امکان حضور همگان فراهم نیست؛ صدقه، بسی برتر از حج مستحبی (عمره) خواهد بود. شاهد بر این امر، روایت امام باقر، می باشد که بیان گردید [۱۲].

پولی را که امام باقر آن را می بویید!

فرزند امام باقر، می فرماید: پدرم، وقتی صدقه می داد پولی را که به فقیر داده بود، پس می گرفت و می بوسید و می بویید و دوباره در دستان سائل و فقیر، قرار می داد؛ و چنین استدلال می فرمود صدقه قبل از آنکه در دست مستمند و فقیر، قرار بگیرد، به دست خدا می رسد؛ از اینرو، دوست دارم چیزی را که در دست خداوند، نهاده شده و مورد قبولش واقع شده است، ببوسم و بوییم:

و كان أبي إذا تصدق بشيء وضعه في يد السائل ثم ارتجعه منه فقبله و شمه ثم رده في يد السائل. و ذلك أنها تقع في يد الله قبل أن تقع في يد السائل [۱۳].

سوالی که مطرح میشود اینک: حد و حدود صدقه و بذل و بخشش در اسلام، چگونه است؟ آیا میشود وقتی انسان، در میان فرزندان، فامیل و بستگان، شخصی محتاج و نیازمندی وجود دارد، به دیگران، بذل و بخشش کند؟

رابطه فقه و اخلاق

به عنوان مثال، شخصی به عنوان پدر خانواده، دو خانه دارد؛ خانه ای مسکونی که در آن سکونت دارد و نیز علاوه بر منزل مسکونی، در جای دیگر، خانه ای ساخته و آن را وقف کرده است؛ با اینکه برخی فرزندان وی، سالها مستاجر هستند. و یا در فصل سرما، وسایل گرمایشی مورد نیاز فرزند در فصل زمستان می باشد، اما پدر، آن را وقف مسجد و یا به دیگران می بخشد؛ حکم این صدقه ها و بذل و بخشش ها و وقف از نظر شرعی، چگونه است؟ و در مرتبه بعد، حکم اخلاقی چگونه خواهد بود؟ اصولاً چه رابطه ای بین فقه و اخلاق، وجود دارد؟

در چنین مواردی، بذل و بخشش و وقف با رعایت شرایط، صحیح و نافذ است و هر چند از نگاه فقه، صحیح است. (زیرا مردم بر اموال خویش، تسلط دارند) اما از نظر اخلاقی، اینگونه کارهای خیر، صدقه ها و وقف ها ابهام دارد؛ حتی برخی معتقدند، احتمال دارد از یک زوایه دیگر، نیز شرعاً دچار اشکال باشد و جهت آن این است که، با این کار، اجحاف در حق فرزندان محتاج، صورت می گیرد و در واقع، نوعی ظلم و نادیده گرفتن حق فرزندان محسوب میشود. چراکه در اسلام، توصیه فراوان گردیده است، انسان باید اولویت های دینی را در صدقه و انواع کارهای مستحبی، رعایت نماید؛ امام صادق در کتاب الکافی کلینی، حدیث بسیار گرانمایی را از پیامبر، چنین نقل می فرماید:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: خَمْسٌ تَمَرَاتٌ أَوْ خَمْسٌ قُرْصٌ أَوْ دَنَائِيرٌ أَوْ دَرَاهِمٌ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُمْضِيَهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى وَالِدَيْهِ ثُمَّ الثَّانِيَةَ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ ثُمَّ الثَّلَاثَةَ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءِ ثُمَّ الرَّابِعَةَ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءِ ثُمَّ الْخَامِسَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَهُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا [١٤].

پیامبر فرمود: انسان، اگر پنج دانه خرما یا پنج تکه نان یا مقداری دینار و یا درهم دارد و می خواهد آنها را به مصرف برساند. در مرحله اول، بهترش آن است که آن را صرف پدر و مادرش کند؛ و در درجه دوم، صرف خودش و فرزندان؛ در مرتبه سوم، صرف خویشاوندان فقیر؛ در مرتبه چهارم، صرف همسایگان نیازمند؛ در درجه پنجم، در راه خدا صرف کند که این، اجرش از بقیه کمتر است.

اگر امری از نظر حکم وضعی در فقه، صحیح اما از جهت اخلاقی، ناپسند باشد، میتوان گفت در بسیاری از موارد، شارع با وجود اینکه آن کار را از نظر فقه، صحیح میداند اما در چنین مواردی بر رعایت اخلاق نیز تاکید دارد. **در فقه، مساله از حیث جواز و عدم جواز، اباحه و عدم اباحه و ... مطرح است و اینکه با این کار، با خدا مخالفت کرده است یا خیر؛ اما در مسائل اخلاقی، شارع مقدس و اسلام، عملی را پیشنهاد میدهد که موجب تعالی روح، سعادت انسان شود.**

به عبارت دیگر: هر گاه انفاق کننده، خود را مالک حقیقی تصور نکرده، بلکه خود را واسطه بین خدا و خلق بداند؛ «وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مَسْتَخْلِفِينَ فِيهِ: انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است [١٥]». دیگر به خویشتن اجازه نخواهد داد که چون بر اموال خویش، تسلط دارد، به هر شکلی می تواند آن را صرف نماید؛ بلکه در واقع این اموال در تملک وی، به نوعی وسیله آزمایش او هستند که بایستی با تشخیص اولویت ها طبق تعالیم اسلامی، بین چند راه صحیح، گزینه افضل و برتر را انتخاب نماید.

بذل و بخشش به خویشاوند و یا غریبه؟

حال، پاسخ به سوال فوق که در ابتدا ذکر گردید - که شخص مسلمان، اموال مازاد خویش را به غریبه، بذل و بخشش نماید، بهتر است یا به صله رحم و خویشاوندان؟- به روشنی می توان دریافت؛ زیرا طبق آنچه که ذکر گردید، انسان باید کاری کند که هم عمل فقهی صحیح باشد و در عین حال، منافی تعالیم اخلاقی اسلام نیز نباشد؛ از اینرو، شایسته است به خویشاوند و صله رحم، بذل و بخشش نماید، در این صورت، خشنودی خداوند را نیز بیشتر کسب نموده؛ هر چند که، اگر به غریبه نیز اعطا نماید، عمل وی از نظر فقهی صحیح است، اما آیا مقبول خداوند متعال است یا نه؟ محل بحث می باشد.

چراکه، طبق آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ» [۱۶] «اگر آن عمل را تا قیامت بیاورد؛ کلمه جاء با حرف باء، متعدی شده است، یعنی صرف انجام عمل و صحیح بودن از نظر فقه، برای شخص، کافی نیست؛ بلکه باید علاوه بر صحیح بودن از نظر فقه، باید آن عمل مقبول درگاه الهی در قیامت نیز باشد.

شاهد دیگر بر این مدعا، پیامبر اسلام، درباره مردی که همه اموال خویش را در راه خدا، صرف کرده بود و در حالیکه فرزندان صغیری و نیازمندی داشت، توبیخ و تعبیر شدید اللحنی، می فرمایند:

لَوْ أَعْلَمْتُمُونِي أَمْرَهُ مَا تَرَكْتُكُمْ تَدْفِنُوهُ مَعَ الْمُسْلِمِينَ يَتْرُكُ صَبِيَّةً صَغِيرًا يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ [۱۷].

اگر این کار او را به من اطلاع داده بودید، نمی گذاشتم او را در گورستان مسلمانان دفن کنید. چند بچه صغیر باقی می گذارد که دست نیاز پیش مردم دراز کنند.

امید است با تاسی به سبک زندگی اهل بیت، اعمال و رفتار خویش را منطبق بر آموزه های نورانی اسلام قرار داده و سعادت دنیا و آخرت خویش را تضمین نمائیم.

منابع:

[۱] شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۸.

[۲] کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۸.

[۳] سوره اعراف، آیه ۳۲.

[۴] طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۰۵.

[۵] حرانی، تحف العقول، ص ۴۱۰.

[۶] ر.ک: ترابی، کتاب زندگی سیاسی امام باقر.

[۷] شیخ صدوق، الامالی، ص ۴۴۲.

[۸] مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۵.

[۹] ر.ک: قائمی، کتاب در مکتب فجر دانشها.

[۱۰] شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۴۱.

[۱۱] شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۲.

[۱۲] ری شهری، حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۳۵.

[۱۳] شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۰۵.

[۱۴] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۶.

[۱۵] سوره حدید، آیه ۵۳۸.

[۱۶] سوره انعام، آیه ۱۶۰.

[۱۷] کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۶.